

فرماندهی معظم کل قوا: «به آینده نگاه کنید. آینده، آینده مهمی است؛ آینده خطیری است. یک کشور اگر بخواید عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، احتیاج دارد به ابتکار، به کار». (۱۳۹۰/۱۱/۱۹)

سنجش و ارزیابی تهدیدهای کشورهای منطقه علیه ج.ا.ایران با استفاده از الگوی مرکز مطالعات راهبردی آجا برای ارزیابی تهدیدها

محمد احدی^۱ و محسن مرادیان^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۲۸

چکیده

علم برآورد تهدیدهای آینده ج.ا.ایران که می‌تواند اثری منفی بر اجرای مأموریت نیروهای مسلح گذارد، همواره مسئله اصلی فرماندهان بوده است. هدف از انجام این تحقیق، تعیین شدت تهدیدها علیه ج.ا.ایران است که می‌توانند بر حسن انجام مأموریت نیروهای مسلح مؤثر واقع شوند. این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که اولویت تهدیدها علیه ج.ا.ایران کدامند؟ برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق و اعتبارسنجی داده‌های گردآوری شده نیز از آمار توصیفی و استنباطی و روش تحلیل نظام‌مند (سیستماتیک) استفاده شده است. روش انجام تحقیق، توصیفی و نوع آن کاربردی بوده و تبیین مبانی نظری و عوامل مؤثر بر تهدیدها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و انجام تحقیق به روش میدانی با برگزاری جلسه‌های نخبگی و مصاحبه با صاحب‌نظران و ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل ۶۰ نفر از کارشناسان، محققان و نخبگان مرکز مطالعات راهبردی آجا و نخبگان نیروهای مسلح و مراکز امنیت پژوهی، علمی و دانشگاهی بوده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین کشورهای تهدیدکننده ج.ا.ایران به ترتیب آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند و ترتیب شش کشور منطقه‌ای در تهدید علیه ج.ا.ایران نیز مشخص شده است.

واژگان کلیدی: الگو، تهدید، سنجش و ارزیابی، کشورهای منطقه

۱. کارشناس مسائل راهبردی و دکترای امنیت ملی، نویسنده مسئول

۲. کارشناس مباحث امنیت ملی و دکترای مطالعات امنیت ملی mohsenmoradian@hotmail.com

۱. کلیات

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تحولات شگرف پس از آن و نیز فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد و ارائه راهبرد نظم نوین جهانی از سوی آمریکا به عنوان قدرت سیطره‌جو (هژمون)، همراه با تحولات به وجود آمده در منطقه بالکان، خلیج فارس، آسیای میانه و بروز تحولات دیگری از جمله حادثه ۱۱ سپتامبر، فضاها پیچیده و مختلفی در مباحث سیاسی، نظامی و بین‌المللی به وجود آورد که موجب گردید تا کشورها نسبت به تهدیدهای نظامی آینده و بازنگری در راهبرد و رهنامه (دکترین) نظامی خود اقدام نمایند. فروپاشی قدرت بری در سال ۱۹۹۱ باعث از هم پاشیدن نظام دوقطبی و تلاش آمریکا برای ایجاد نظام تک‌قطبی در جهان و شکل‌گیری تهدیدهای جدید علیه ج.ا.ایران گردید. گسترش ناتو به شرق، موج بیداری اسلامی و استمرار دشمنی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز محیط امنیتی ج.ا.ایران را دستخوش تغییر مداوم و متلاطم نموده و کشور را با تهدیدهای جدید مواجه کرده است؛ تهدیدهایی که بر اساس قانون اساسی ج.ا.ایران، ارتش مأموریت دارد به آنها پاسخ گفته و آنها را خنثی و بی‌اثر نماید. اما ارائه پاسخ به موقع، درستو مناسب به تهدیدها، در وهله اول نیازمند برآورد و ارزیابی صحیح آنها می‌باشد؛ از این رو، محققان قصد دارند در این تحقیق با ارائه الگوی بومی برای ارزیابی تهدیدها در حوزه مأموریت نیروهای مسلح (با تکیه بر آجا)، پاسخی مناسب برای این نیاز ارائه نمایند.

۱-۱. بیان مسئله

با وجودی که تاکنون تلاش‌های مناسبی برای شناخت تهدیدهای کشورهای منطقه علیه ج.ا.ایران انجام گرفته، ولی این تهدیدها بررسی علمی نشده و در قالب یک تحقیق دانشگاهی مورد واکاوی و کنکاش قرار نگرفته و با وجود ضرورت الگویی برای ارزیابی و شناخت تهدیدها، الگوی مدونی برای اینکار ارائه نگردیده است؛ شناختی که از پژوهشی

علمی و جامع استخراج شده و ضامن پویایی و آمادگی تصمیم‌گیران برای پیشگیری و مقابله با تهدیدها باشد. به همین دلیل، دغدغه اصلی و مستمر فرماندهان، عدم برآورد تهدیدهایی است که می‌توانند بر اجرای مأموریت نیروهای مسلح ج.ا.ایران در آینده اثر منفی گذارند. در شرایط متحول و پیچیده کنونی، نیروهای مسلح به الگویی احتیاج دارند که بتوان به کمک آن، نوع و شدت تهدیدها علیه ج.ا.ایران را پیش از وقوع و بحرانی شدن اوضاع، برآورد نموده و فرصتی ایجاد کند تا به موقع و به‌دقت موضع‌گیری کرده و کشور را از آثار سوء آنها دور ساخته، شدت و عمق آنها را واپایش (کنترل) کرده و یا زمان عملی شدن آنها را به تأخیر اندازد.

۱-۲. اهمیت و ضرورت موضوع

اهمیت این تحقیق آن است که چستی، چرایی و چگونگی عوامل مؤثر و متقابل تهدیدهای موجود علیه کشور را مورد توجه قرار می‌دهد؛ زیرا معتقد است عدم توجه به این مقوله‌ها، می‌تواند فرماندهان نیروهای مسلح را در برآوردهای خود از تهدیدها، دچار سردرگمی نموده و آنها را در گرفتن تصمیم مناسب و به موقع، گمراه سازد. با توجه به آنچه گفته شد، از آن جهت به انجام این تحقیق نیاز است که:

(۱) انجام این تحقیق می‌تواند به فرماندهان و تصمیم‌سازان آجا کمک کند تا به موقع نسبت به کنش‌های تهدیدکننده، واکنش نشان داده و غافلگیر نشوند.

(۲) این تحقیق به انجام بهتر سایر تحقیقاتی که در همین رابطه تعریف شده‌اند، کمک خواهد نمود.

(۳) عدم آگاهی نسبت به عوامل تهدیدزا، از یکسو موجب بروز خطا در ارزیابی و شناخت نوع و میزان تهدیدها، ضعف‌ها، قوت‌ها و فرصت‌ها گردیده و صرف هزینه‌های گزاف در امور غیرضرور و نامربوط را به دنبال دارد و از سوی دیگر، نداشتن الگو

ممکن است فرماندهان را هنگام اتخاذ سیاست و راهبردهای کارآمد و قابل اجرا و منطبق با منافع کشور دچار مشکل نماید.

۱-۳. پیشینه تحقیق

سنجش تهدید از نظر شدت، ضعف و انواع مختلف آن، مقوله‌ای دائمی است و در دنیای پیچیده کنونی، از ضرورت‌های اساسی ملت‌ها و مسئولیت اصلی فرماندهان و مدیران محسوب می‌گردد. در این راستا صاحب‌نظران متعددی تلاش نموده‌اند تا الگوهایی را برای سنجش تهدیدها ارائه نمایند که از این میان می‌توان به اثر اصغر افتخاری (۱۳۸۵) با عنوان «کالبدشکافی تهدید» اشاره نمود. در این اثر که مستخرج از یک پژوهش مستقل در زمینه «تهدید» می‌باشد، محقق به شکلی مبسوط به مباحثی از قبیل شناخت و سنجش تهدید پرداخته است. وی در این اثر، ضمن تقسیم‌بندی شاخص‌های سنجش تهدید به دو دسته اصلی «درونی» و «بیرونی»، نسبت به طراحی و ارائه دستگاہی با هشت شاخص برای سنجش تهدید اقدام نموده که این شاخص‌ها عبارتند از توانمندی (ضعف یا قوت بازیگر)، وضعیت منافع (تعارض، انطباق و ...)، عمق (منافع بنیادین، حیاتی، حاشیه‌ای)، دامنه (اندک، متوسط، بالا)، زمان (مترقبه و غیرمترقبه و ...)، مکان (داخلی و خارجی و ...) قدرت و امکان اعمال قدرت، موقعیت (تعارض، تقاطع و تراکم) هستند. در راستای سنجش تهدید، «افتخاری» سطوح تهدیدها را به تهدیدهای فردی، گروهی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی تقسیم‌بندی کرده و ویژگی‌های آنها را بیان نموده است. وی تهدید نظامی را از جمله تهدیدهای امنیت ملی دانسته و معتقد است این تهدیدها از آشکارترین انواع تهدیدها به‌شمار می‌آیند که دارای پیشینه تاریخی طولانی در تاریخ تحولات جامعه بشری هستند. ویژگی برجسته این دسته از تهدیدها در استفاده از زور (سلاح، تجهیزات و نیروی نظامی) است که به‌عنوان «منازعه» و «جنگ» از آن یاد می‌شود.

* مرادیان (۱۳۸۵) در کتاب خود با عنوان «درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات»، مباحثی مانند شاخص سنجش تهدیدها را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

* رهپیک (۱۳۸۷) در کتاب ارزشمند خود با عنوان «تهدیدات قدرت ملی؛ شاخص‌ها و ابعاد»، بحث تهدیدشناسی را مطرح کرده و ضمن برشماری مفهوم و ویژگی‌ها و اوصاف تهدیدها، اقسام تهدید را مورد بررسی قرار داده و به بررسی ابعاد و شاخص‌های سنجش تهدید از نظر دوری یا نزدیکی، عمق و نفوذ، دامنه و گستره، عواقب و آثار، تراکم، هزینه‌ها و شاخص‌های مستقل و ضمنی تهدید پرداخته است.

* صادقی (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی پیرامون «الگوی برآورد تهدیدهای داخلی»، ضمن بررسی الگوها و روش‌های مختلف برآورد و سنجش تهدیدها، الگوی برآورد تهدیدهای داخلی را به روش ترکیبی ارائه نموده است.

۴-۱. پرسش تحقیق

میزان تهدیدهای کشورهای منطقه علیه ج.ا.ایران که می‌توانند بر حُسن انجام مأموریت نیروهای مسلح ج.ا.ایران (با تاکید بر آجا) مؤثر واقع شوند، چقدر است؟

۵-۱. هدف تحقیق

برآورد تهدیدها دارای دو ویژگی است: اول اینکه از نظر متغیرهای ارزیابی تهدید، جامع بوده و مهم‌ترین آنها را مورد ملاحظه قرار دهد و دوم اینکه در مقام تعریف و شناخت متغیرها، شاخص‌ها و ارزش‌های بومی ج.ا.ایران در آنها لحاظ شده باشند. بر این اساس، هدف تحقیق حاضر، سنجش و ارزیابی تهدیدها علیه ج.ا.ایران است که می‌توانند بر حُسن انجام مأموریت نیروهای مسلح (آجا) مؤثر واقع شوند.

۱-۶. روش‌شناسی تحقیق

۱-۶-۱. جامعه و نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق که در سال ۱۳۹۴ انجام شده، شامل کارشناسان، محققان و نخبگان مرکز مطالعات راهبردی آجا و نخبگان نیروهای مسلح و مراکز امنیت‌پژوهی، علمی و دانشگاهی با حداقل ۲۵ سال خدمت، ۴۵ سال سن، مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و جایگاه شغلی ۱۸ به شرح زیر می‌باشد:

(۱) کارشناسان ستادهای عالی نیروهای سه‌گانه ارتش ج.ا.ایران؛

(۲) اندیشمندان و پژوهشگران مراکز علمی و دانشگاهی؛

(۳) کارشناسان عالی‌رتبه تحلیل و ارزیابی اطلاعات در معاونت‌های اطلاعات ستاد

کل و ارتش ج.ا.ایران؛

(۴) محققان، متخصصان، فرماندهان شاغل و بازنشسته و دست‌اندرکاران در زمینه

شناخت تهدیدهای آجا.

در بررسی اولیه، حجم جامعه آماری ۶۰ نفر برآورد گردید که با تمام آنها به روش

سرشماری، مصاحبه انجام یا پرسشنامه تکمیل گردید.

۱-۶-۲. روش‌های گردآوری داده‌ها

تبیین مبانی نظری و گزاره‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر تهدیدها، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بررسی منابع آشکار و اینترنتی و بررسی اسناد و مدارک و پایان‌نامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی انجام شد. در روش میدانی نیز با برگزاری جلسه‌های خبرگی و مصاحبه با صاحب‌نظران در مورد عوامل تهدیدزا و تهیه پرسشنامه و وزن‌دهی به عوامل مؤثر بر تهدیدها توسط جامعه نمونه، اطلاعات لازم گردآوری شد.

۳-۶-۱. روش تجزیه و تحلیل آماری داده‌های تحقیق و روش اعتبارسنجی داده‌های گردآوری شده برای تحلیل داده‌های گردآوری شده به وسیله پرسشنامه از آمار توصیفی و برای تحلیل مصاحبه‌ها و سؤال‌های باز پرسشنامه‌ها از روش تحلیل محتوای نظام‌مند استفاده شد. اعتبار و روایی پرسشنامه‌ها نیز با کمک آلفای کرونباخ محاسبه گردید.

۴-۶-۱. تشریح پرسشنامه طراحی الگوی سنجش تهدیدها

به منظور تعیین مهم‌ترین تهدیدهای ج.ا.ایران و شاخص‌های مربوط، پرسشنامه محقق‌ساخته تهیه و در چند مرحله بین خبرگان توزیع شد. فرایند کار این‌گونه بود که ابتدا به منظور همگرایی فکری میان خبرگان و ایجاد برداشت ذهنی واحد نسبت به گویه‌های پرسشنامه، ضمن توضیح شفاهی، مباحث نظری مرتبط با موضوع، مطرح و از خبرگان خواسته شد که پرسشنامه را مطالعه و هر جا که ابهامی دارند، مطرح نمایند تا بیشتر توضیح داده شود. سپس از آنها خواسته شد تا نسبت به تکمیل پرسشنامه در جلسه خبرگی اقدام و پرسشنامه‌های تکمیل شده را تحویل نمایند. در این پرسشنامه‌ها از خبرگان خواسته شده بود که با استفاده از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت، میزان تهدید هر یک از کشورهای یادشده در پرسشنامه را با در نظر گرفتن شاخص‌های داده شده، نمره‌دهی نمایند. در ادامه نیز برای تعیین نوع تهدید، اهداف مرجع تهدید و موضوع تهدید، قرائن و شواهد تحقق تهدید و امکانات و توانمندی طرف‌های تهدیدکننده برای اعمال تهدید، اعلام نظر نمایند.

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۱-۲. سنجش و ارزیابی تهدیدها

«تهدید» مفهومی است که در بسیاری از مکاتب امنیتی، محور اصلی شناخت امنیت را تشکیل می‌دهد. (عبدا...خانی، ۱۳۸۲: ۱۳۴) تهدید در ذات خود، مبهم و نامعلوم بوده و

سنجش آن بسیار دشوار است. «بوزان»^۱ معتقد است بیشتر تهدیدهای موجود شامل تعداد زیادی عوامل پیچیده‌اند که برآیند و نتایج آنها را به شدت نامعلوم می‌سازند. (بوزان، ۱۳۸۶: ۱۶۶) این عوامل بر شدت و ضعف تهدیدها، آثار تعیین‌کننده‌ای دارند. در جدول زیر عوامل مؤثر در سنجش تهدید از نظر «بوزان» مشاهده می‌شود.

جدول شماره (۱) شاخص‌های سنجش شدت و ضعف تهدید از دیدگاه بوزان

شرایط	نوع تهدید	
	شدید	ضعیف
تراکم و گستره	خاص و متراکم	پخش و پراکنده
فوریت مکانی	نزدیک	دور
فوریت زمانی	قریب	بعید
میزان اثر	زیاد	کم
عمق	زیاد	کم

(مرادیان، ۱۳۹۱: ۳۱۱)

به‌منظور سنجش امنیت، کارشناسان و اندیشمندان مسائل امنیتی، اقدام به مفهوم‌سازی و شناخت بیشتر تهدید و زمان وقوع و تفکیک و دسته‌بندی مفاهیم آن نموده و با شاخص‌سازی سعی در کمی کردن و سنجش آن نموده‌اند که کاری بسیار دشوار است. شاید بتوان با این ایده «بوزان» موافق بود که «هر چه حیات جمعی پیچیده‌تر می‌شود، شناخت امنیت نیز دشوارتر می‌گردد؛ تا آنجا که باید پذیرفت امنیت را به دو دلیل، به‌سختی می‌توان مورد شناخت و اندازه‌گیری قرار داد: نخست آنکه ذهنی بودن امنیت کار را بسیار دشوار می‌سازد و دیگر آنکه شناخت میزان جدی بودن تهدید امنیتی نیز امری پیچیده است که به‌سادگی درک نمی‌شود و می‌تواند موضوع تحلیل‌های متفاوت قرار گیرد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۵)

«افتخاری» تلاش دارد تا با استفاده از تحلیل‌های ارائه شده از سوی کارشناسان امنیتی و همچنین با مطالعه موردی تجارب موجود، به شاخص‌های عمومی تهدیدها دست یابد

که بیشترین روایی را برای شناخت و سنجش تهدید دارا می‌باشند. وی برای این منظور شاخص‌های عمق تهدید، دامنه تهدید، زمان تهدید، مکان تهدید و توان تهدید را پیشنهاد نموده است. این شاخص‌ها در کنار دو شاخص درونی، «توان ملی و منافع ملی»، در مجموع، تصویر به نسبت جامعی را از تهدید به نمایش می‌گذارند (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۶).

بعد تاریخی تهدیدها نیز بر پیچیدگی ارزیابی‌ها می‌افزاید. «روس‌ها از حملات زمینی هراس دارند؛ زیرا تجربه تهاجم مغول‌ها در قرن ۱۳ میلادی و نیز سه تهاجم عمده غرب در سال‌های ۱۸۱۲، ۱۹۱۵ و ۱۹۴۱ را پشت سر گذاشته‌اند. جنبه تاریخی دیگر تهدیدها، آن است که در خلال زمان، تهدیدها یکسان نمی‌مانند، بلکه در برابر تحولات کشورها که باعث تغییر ماهیت آسیب‌پذیری آنها می‌گردد، دستخوش تغییر می‌شوند». (پژوهشکده مطالعاتی راهبردی، ۱۳۸۱: ۱۵۸)

۲-۲. شاخص‌های سنجش تهدید

در کنار شاخص‌های وجودی تهدید، برخی ضوابط و معیارها برای سنجش وزن، شدت، اهمیت و ... تهدید مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از این شاخص‌ها مستقل و صریح بوده و بعضی دیگر ضمنی می‌باشند. گروهی از نویسندگان پنج شاخص زیر را برای سنجش تهدیدها به کار برده‌اند:

(۱) میزان تمرکز یا پراکندگی،

(۲) میزان دوری یا نزدیکی (مکان و زمان)،

(۳) میزان احتمال وقوع،

(۴) عواقب و آثار تهدید،

(۵) سابقه تاریخی. (ره‌پیک، ۱۳۷۸: ۱۶۶)

برخی دیگر نیز شش شاخص را در سنجش تهدیدها مورد استفاده قرار داده‌اند:

(۱) وضع بازیگران،

- (۲) میزان و کیفیت مداخله قدرت‌های بزرگ،
 (۳) سطح جغرافیای راهبردی،
 (۴) عدم تجانس یا توازن قدرت،
 (۵) کیفیت و کمیت مسائل نظامی، سیاسی و ...،
 (۶) سطح خشونت (جنگ و ...) (ره‌پیک، ۱۳۸۲: ۲۴۱)

۲-۳. شاخص‌های مستقل

۲-۳-۱. عمق (نفوذ)

مقصود از شاخص عمق در سنجش و ارزیابی تهدیدها عبارت است از دانستن این مسئله که تهدیدهای موجود چه بخشی از منافع ملی یک کشور را مورد هدف قرار می‌دهند؛ به این معنا که تهدید مورد مطالعه چه حوزه‌هایی را به مخاطره می‌اندازد؟ آیا حوزه‌های موضوعی که مورد تهدید قرار گرفته‌اند، ارزش تخصیص منابع بسیار برای دفع تهدید را دارند یا خیر؟ بنابراین در این مبحث باید به تقسیم‌بندی منافع هر کشور و اولویت‌بندی آنها پرداخته شود. محوریت منافع در سیاست که مورد پذیرش بازیگران مختلف است، حکایت از مرجعیت منافع در تدبیر سیاسی دارد. تمامی تعریف‌های ارائه‌شده از تهدید با نگاه به منافع موضوعیت می‌یابند و به همین علت، عمق تهدید اهمیت پیدا می‌کند که ناظر بر ارزشمندی منفعت موضوع مورد تهدید است. بر این اساس در ادبیات روابط بین‌الملل، منافع ملی به منافع بنیادین^۱، حیاتی^۲، مهم^۳ و حاشیه‌ای^۴ تقسیم می‌شوند و این رتبه‌بندی معیار مناسبی برای ارزش‌گذاری تهدیدهای گوناگون حسب میزان عمق آنها خواهد بود؛ در واقع هرچه تهدید به طبقات و لایه‌های بالاتر منافع

1. Fundamental Interests
2. Vital Interests
3. Important Interests
4. Marginal Interests

نزدیک شود، مهم تر و شدیدتر خواهد بود؛ بنابراین تهدید نظامی جنگ تمام عیار، نسبت به تهدید تحریم یا قطع روابط اقتصادی، قوی تر و شدیدتر خواهد بود. (مرادیان، ۱۳۹۱: ۳۱۶)

۲-۳-۲. دامنه و گستره تهدید

تهدیدها از نظر دامنه به سه دسته تهدیدهای با دامنه اندک، متوسط و گسترده تقسیم می شوند. منظور از دامنه، شیوع تهدید است که دو تلقی از آن وجود دارد: دامنه کیفی یا ارزشی و دامنه کمی. مباحث کیفی به مباحث عمق نزدیک هستند و دامنه با ابعاد کمی آن تعریف می شود. با این نگاه، تقسیم بندی جدیدی می توان از تهدید داشت. اصل عمومی این است که هر چه دامنه تهدید افزایش یابد، شدت آن نیز افزایش می یابد (رابطه مستقیم). (افتخاری، ۱۳۹۰: ۴۲)

به عنوان یک اصل کلی می توان پذیرفت که «هر چه سطح تهدید گسترده تر باشد، تهدید قوی تر و شدیدتر خواهد بود؛ برای مثال، اگر یک عامل تهدیدکننده وجود داشته باشد، تهدید نسبت به حالتی که چند عامل تهدیدکننده در کنار هم حضور دارند، ضعیف تر ارزیابی می گردد». به همین دلیل «گاه برای افزایش شدت تهدید و وادار کردن تهدیدشونده به تغییر رفتار، از روش ائتلاف (در طرف تهدیدکننده) استفاده می شود». (ره پیک، ۱۳۸۷: ۱۷۹) در ارزیابی تهدید به شکل سنتی، «دامنه تهدید» پیوسته مورد توجه بوده، اما تلقی بسیط به عمل آمده موجب گردیده تا ابعاد جدید و در نتیجه اهمیت فزاینده این شاخص کمتر لحاظ شود. منظور از دامنه تهدید، «میزان شیوع یک تهدید از جنبه عاملی - ارزشی» است. در این تعریف دو اصل برای «گستره تهدید» شناسایی شده است:

(۱) اصل اول: سطح ارزشی

در هر رابطه تهدیدآمیز، موضوعی وجود دارد که تهدید با توجه به آن معنا و مفهوم می یابد. بر این اساس، دامنه تهدید می تواند با توجه به موضوع تهدید مشخص شود. به

این صورت که طیف متنوعی از تهدیدها می‌توانند وجود داشته باشند که از لحاظ اثرگذاری، ارزش واحدی ندارند. در این تقسیم‌بندی کلان می‌توان سه دسته «تهدید با دامنه اندک، تهدید با دامنه متوسط و تهدید با دامنه بالا» را از یکدیگر تفکیک کرد. از این دیدگاه، ارزیابی عمومی مبنی بر اینکه «توسعه دامنه تهدید به افزایش شدت آن منجر می‌شود»، قرین صحت می‌باشد؛ به این معنا که در شرایط یکسان (مبنی بر ثبات سایر شاخص‌های ارزیابی شدت تهدید) تغییر دامنه تهدید، منجر به افزایش شدت تهدید می‌شود. این حکم در مورد هر دو گونه از افزایش دامنه (افقی و عمودی) صادق است.

(۲) اصل دوم: سطح عددی

منظور از دامنه تهدید در این سطح، تعداد بازیگران درگیر در تهدید می‌باشد که بیشتر به‌عنوان یک شاخص اصلی از سوی برخی تحلیلگران به آن اشاره شده است. شاخص تعداد بازیگران به‌عنوان شاخص نخست از شاخص‌های شش‌گانه پیشنهادی برای ارزیابی شدت تهدید مورد توجه قرار می‌گیرد.

این ایده از سوی بیشتر کارشناسان و تحلیلگران مسائل امنیتی پذیرفته شده، از این رو مشاهده می‌شود که گزاره کلی «برچر»^۱ مبنی بر افزایش شدت بحران در نتیجه افزایش تعداد بازیگران برای مقوله تهدید پذیرفته شده و به‌عنوان یک اصل درآمده است؛ اما این تلقی در عین شیوعی که دارد، تنها بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد که در مدیریت تهدیدها کاربرد دارد. برای درک پیچیدگی موضوع، لازم است تا تهدید را در دو سطح متفاوت تهدیدگری و تهدیدشوندگی مورد بررسی قرار داد. از این دیدگاه رابطه پیچیده‌ای به‌دست می‌آید که «دامنه تهدید» در هر یک از آن دو، تأثیر متفاوتی بر شدت تهدید می‌گذارد. (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۱۷۹)

۳-۳-۲. فوریت (نزدیکی و دوری تهدید از نظر زمانی و مکانی)

بر اساس این شاخص، هر چه منبع تهدید به محیط تهدیدشونده نزدیک‌تر باشد، تهدید شدیدتر درک می‌شود؛ به عبارت دیگر، فوریت آن نسبت به سایر تهدیدها (که از جهت سایر شرایط یکسان هستند) بیشتر است. میزان نزدیکی، دوری و فوریت، به مکان و زمان تهدید ارتباط دارد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۶۰) مکان در این شاخص شامل دوری و نزدیکی فیزیکی و مجازی می‌باشد؛ برای مثال، تهدید یک همسایه در جدار مرز نسبت به تهدید غیرهمسایه، قوی‌تر و شدیدتر است. همچنین تهدید فضای رسانه‌ای یا شبکه‌ای (مانند اینترنت) یک تهدید نزدیک تلقی می‌گردد. زمان تهدید نیز از نظر دوری و نزدیکی (فوریت) همین اثر را دارد. زمان به معنای «فاصله زمانی موجود تا تحقق تهدید» در تهدیدهای مختلف یکسان نیست، بنابراین می‌توان تهدیدها از درجه «غیرفوری» تا «فوری» را در دو انتهای یک طیف قرار داد.

۴-۳-۲. توان تهدید (قدرتمندی تهدیدگر و تهدیدشونده)

قدرت تهدیدکننده، شاخصی روشن در ارزیابی میزان شدت یک تهدید است و هر دولتمردی به خوبی می‌داند که اولین قدم در راه شناخت یک تهدید، مقایسه قدرت بازیگر تهدیدکننده از یکسو و بازیگر تهدیدشونده از سوی دیگر است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۶۰)

۵-۳-۲. زمان و تهدید

شاید کمتر شاخصی مانند زمان را بتوان برشمرد که در بحث مدیریت سیاسی - اجتماعی در دهه‌های گذشته، ارزش و اهمیت فزاینده یافته باشد؛ در واقع پدیده جهانی شدن به دلیل ایجاد تراکم در زمان و مکان، سبب گردیده تا این عصر، معنای تازه‌ای را برای بازیگران معاصر بیابد؛ به همین دلیل، تمامی وجوه حیات انسان (اعم از فردی و جمعی) تحت تأثیر قرار گرفته و در این میان، تهدیدها نیز استثنا نیستند. نکته

قابل توجه آنکه در مطالعات بحران‌شناسی و مدیریت بحران، عنصر «زمان» به شکل سنتی مورد نظر بوده، به گونه‌ای که همواره به عنوان یک مفهوم محوری در تعریف بحران از دیدگاه‌های گوناگون حضور داشته است.

۶-۳-۲. زمان و مقاومت

هر تهدید از آن نظر که از سوی محیط پیرامونی خود با نوعی مقاومت روبه‌رو می‌شود، در رابطه با محیط معنا یافته و از این رو شدت یک تهدید از این ناحیه، کاستی یا فزونی می‌گیرد. گزاره عمومی در این باره آن است که هر چه میزان مقاومت محیط کاهش یابد، شدت تهدید افزایش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، نسبت بین مقاومت و شدت تهدید معکوس می‌باشد. این گزاره از مقبولیت عمومی برخوردار است، به گونه‌ای که برخی اندیشمندان سیاسی از آن به مثابه یک منبع تولید قدرت یاد کرده‌اند و بر این اعتقادند که مدیریت زمان با هدف کاهش یا پایان یافتن مقاومت می‌تواند به تولید قدرت در «بازیگر مورد هجوم» بر ضد «بازیگر مهاجم» منتهی شود. (مرادیان، ۱۳۸۵: ۶۷)

۷-۳-۲. مکان تهدیدها

از جمله شاخص‌های ارزیابی شدت تهدید که متأثر از فضای جدید حاکم بر مناسبات بین‌المللی و جهانی شدن، تحولات چشمگیری را تجربه نموده، شاخص «مکان» می‌باشد. در این ارتباط، اندیشمندان تا آنجا پیش رفته‌اند که تصور مبتنی بر تفکیک جغرافیایی «ما» و «دیگری» را در حال بی‌معنا شدن ارزیابی نموده و از شکل‌گیری «زیست محیط واحد» سخن به میان آورده‌اند که در نتیجه آن، «بُعد جغرافیایی تهدیدها» دیگر نمی‌تواند در ارزیابی شدت تهدید، اثرگذار باشد. به تعبیر «مانوئل کاستلز»^۱ در نگرش شبکه‌ای، آنچه بیش از بُعد مکانی معنادار است، شبکه ارتباطی

که می‌تواند در انعکاس نتایج و آثار مثبت و یا در مواجهه بازیگران مختلف با سطوح متفاوتی از تهدید، مؤثر باشد. آثار گسترده جهانی شدن بر شاخص «مکان» (مانند تأثیر شگرف آن بر شاخص زمان) را نمی‌توان منکر شد، اما نکته درخور توجه از دیدگاه امنیتی آن است که جهانی شدن بیش از «بی‌معنا کردن» عنصر مکان، به بازتعریف آن و ایجاد گونه‌های تازه‌ای از اثرپذیری شدت تهدید از مکان منجر گردیده است؛ به عبارت دیگر، امروزه چهره جدیدی از مکان مطرح است که ملاحظه‌های امنیتی خاص خود را دارد؛ افزون بر آن نمی‌توان منکر شد که عدم تحقق کامل ایده «جهانی شدن»، دلالت بر آن دارد که هنوز هم ملاحظه‌های امنیتی مربوط به دوره پیش از جهانی شدن در مناسبات امنیتی و ارزیابی شدت تهدیدها موضوعیت دارند. بر این اساس است که اصول زیر را می‌توان به‌عنوان راهنمای عمل در این بحث مورد توجه قرار داد:

* اصل اول: ناهمگنی بازیگران در عرصه سیاست جهانی، منجر می‌شود تا بُعد مکانی همچنان به‌عنوان یک شاخص معنادار در مقام ارزیابی شدت تهدیدها مطرح باشد.

* اصل دوم: ناهمگنی تهدیدها در عرصه سیاست جهانی منجر می‌شود تا پاره‌ای از تهدیدها همچنان با شاخص بُعد مکانی قابل سنجش باشند. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۶۵)

۸-۳-۲. موقعیت

آنچه که از آن به «فضای روزگار» تعبیر گردیده، در واقع تفسیری عمومی از وضعیت مهم در مناسبات بین عوامل اثرگذار در امنیت بازیگران است که حسب شرایط زمانی و مکانی رخ می‌دهد. توالی تهدیدها و همزمانی آنها می‌تواند مدیریت تهدیدها را با مشکل مواجه نماید و در نتیجه، توان تهدیدها را بیش از اندازه واقعی آنها نشان دهد. بر این اساس «نسبت‌سنجی» بین تهدیدهای مختلف، ضرورتی امنیتی به‌شمار می‌آید که در برآورد شدت تهدید اثرگذار است. از این دیدگاه می‌توان سه وضعیت متفاوت «تعارض، تقاطع و تراکم»

را از یکدیگر تمییز داد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۶۲) «ممکن است یک تهدید به لایه منافع حیاتی نفوذ کند و از این جهت، عمیق تلقی گردد، اما در مقایسه با تهدید در لایه منافع مهم، ضررها و صدمه‌های کمتری تولید نماید؛ برای مثال، نقض ساده و محدود تمامیت ارضی، تهدیدی عمیق و حیاتی است، اما تحریم اقتصادی، تهدیدی پُرهزینه می‌باشد.» (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۱۷۸)

۹-۳-۲. مجاورت

تهدیدها به‌نوبه خود تابعی از قدرت، مجاورت، قابلیت تهاجمی و تمایلات تهاجمی می‌باشند. با یکسان بودن تمامی شرایط، افزایش در هر یک از عوامل بالا موجب می‌شود سایر کشورها به‌ویژه کشورهای بزرگ، دارندگان این صفات را تهدیدآمیز انگاشته و درصدد موازنه با آنها برآیند. «استفان والت» در نظریه «توازن تهدید» چهار معیار «قدرت» (اندازه، جمعیت، ثروت، قدرت اقتصادی، توان نظامی)، «مجاورت یا نزدیکی جغرافیایی»، «توانایی تهاجم» و «قصد یا نیت تهاجم» را برای ارزیابی تهدید ناشی از دیگر کشورها مشخص می‌کند. بر اساس توانایی تهاجم به‌عنوان عامل سوم، کشورهایی که قابلیت خاص نظامی مانند نیروهای بسیار متحرک یا قابلیت‌های سیاسی مانند یک ایدئولوژی بالقوه سرایت‌کننده و تهاجمی دارند و یکپارچگی قلمرو یا ثبات سیاسی سایر کشورها را نشانه رفته باشند، بیشتر تهدیدآمیز جلوه می‌کنند؛ بنابراین، افزون بر قدرت که به‌عنوان بارزترین معیار برای ارزیابی تهدید مطرح می‌گردد، مجاورت در اعمال قدرت، به‌دلیل کوتاه بودن بُعد مسافت به‌عنوان مؤلفه دوم در تهدیدآمیز بودن یا نبودن یک کشور نقش دارد.

۴-۲. الگوی سنجش تهدیدهای مرکز مطالعات راهبردی آجا^۱

متغیرهای بسیاری می‌توانند در برآورد تهدید نقش ایفا کنند، اما بر اساس جدول اِتسی^۲ و با استفاده از تحلیل عاملی، می‌توان همه این متغیرها را در دو عامل شدت

1. Evaluation Threats Model of Strategic Studies Center of AJA

2. Etsy

تهدید و احتمال وقوع آن دسته‌بندی کرد. این کار کمک می‌کند تا بتوان با استفاده از فرمول ریاضی، میزان تهدیدها را برآورد نمود. «الگوی سنجش تهدیدهای مرکز مطالعات راهبردی آجا» مهم‌ترین عواملی که می‌توانند در تعیین شدت و احتمال وقوع تهدیدها نقش ایفا کنند را به شرح زیر احصاء نموده است:

جدول شماره (۲) شاخص‌های سنجش شدت تهدید

ردیف	عنوان شاخص
۱	نزدیکی مکانی تهدید
۲	عمق تهدید
۳	گستره اثر تهدید
۴	توازن قدرت میان تهدیدکننده و تهدیدشونده
۵	مدت زمان ترمیم صدمه‌های ناشی از تهدید
۶	دامنه تهدید (حجم عددی تهدیدکنندگان)
۷	سطح خشونت به کار رفته توسط تهدیدکننده
۸	هزینه عملی نمودن تهدید برای طرف تهدید کننده
۹	تقارن تهدید
۱۰	کارویژه تهدید (اصلی یا ایذایی بودن)
۱۱	وضعیت داخلی طرف تهدیدکننده
۱۲	میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی جهان
۱۳	میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی داخلی خود
۱۴	هدف از تهدید (الحاق سرزمین، اشغال سرزمین، براندازی، ضربه زدن، دخالت در امور داخلی)
۱۵	سطح توانمندی تهدیدکننده در اعمال تهدیدها

جدول شماره (۳) شاخص‌های سنجش احتمال وقوع تهدید

ردیف	عنوان شاخص
۱	نزدیکی مکانی تهدید
۲	نزدیکی زمانی تهدید
۳	سابقه تاریخی تهدید
۴	توازن قدرت میان تهدیدکننده و تهدیدشونده
۵	داشتن ایدئولوژی تهاجمی
۶	دامنه تهدید (حجم عددی تهدیدکنندگان)
۷	هزینه عملی نمودن تهدید برای طرف تهدیدکننده
۸	وضعیت داخلی طرف تهدیدکننده (کارآمدی و مدیریت، انگیزه مقاومت و...)
۹	میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی جهان
۱۰	میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی داخلی خود
۱۱	سطح توانمندی طرف تهدیدکننده برای اعمال تهدیدها

در این الگو، از قضاوت‌های کیفی و طیف پُر کاربرد لیکرت برای تعیین ضرایب معیارها استفاده شده و بر این اساس، دو معیار کلی شامل شدت و احتمال وقوع تهدید برای ارزیابی تهدیدها در نظر گرفته شده است.

جدول شماره (۴) معیارهای سنجش تهدید

i		معیار
i_1	1	شدت تهدید
i_2	2	احتمال وقوع تهدید

برای هر معیار نیز شاخص‌هایی به شرح زیر احصاء شده‌اند:

جدول شماره (۵) شاخص‌های سنجش شدت تهدیدها

a_{ij}	j	$i=1$
a_{11}	۱	نزدیکی مکانی تهدید
a_{12}	۲	عمق تهدید
a_{13}	۳	گستره اثر تهدید
a_{14}	۴	توازن قدرت میان تهدیدکننده و تهدیدشونده
a_{15}	۵	مدت زمان ترمیم صدمه‌های ناشی از تهدید
a_{16}	۶	دامنه تهدید (حجم عددی تهدیدکنندگان)
a_{17}	۷	سطح خشونت به کار رفته توسط تهدیدکننده
a_{18}	۸	هزینه عملی نمودن تهدید برای طرف تهدیدکننده
a_{19}	۹	وضعیت داخلی طرف تهدیدکننده
a_{110}	۱۰	میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی جهان
a_{111}	۱۱	میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی داخلی خود
a_{112}	۱۲	هدف از تهدید (براندازی، الحاق یا اشغال سرزمین، ضربه زدن، دخالت در امور داخلی)
a_{113}	۱۳	سطح توانمندی تهدیدکننده در اعمال تهدیدها

مقیاس نمره‌دهی این شاخص‌ها با توجه به طیف لیکرت عبارت است از:

جدول شماره (۶) مقیاس نمره‌دهی شاخص‌ها

H	۱	۲	۳	۴	۵
	h_1	h_2	h_3	h_4	h_5
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد

در این الگو، امتیازهای داده شده به شاخص‌ها طبق ماتریس زیر محاسبه می‌گردند:

جدول شماره (۷) محاسبه امتیازهای داده شده به شاخصها

میانگین	جمع امتیاز	تعداد	H					i=1	
			۱	۲	۳	۴	۵	j=1, 2, 3, ..., n	
$M_{11}=(\sum a_{11h} * h) / \sum a_{11h}$	$\sum a_{11h} * h$	$\sum a_{11h}$	a_{111}	a_{112}	a_{113}	a_{114}	a_{115}	a_{11}	نزدیکی مکانی تهدید
$M_{12}=(\sum a_{12h} * h) / \sum a_{12h}$	$\sum a_{12h} * h$	$\sum a_{12h}$	a_{121}	a_{122}	a_{123}	a_{124}	a_{125}	a_{12}	عمق تهدید
$M_{13}=(\sum a_{13h} * h) / \sum a_{13h}$	$\sum a_{13h} * h$	$\sum a_{13h}$	a_{131}	a_{132}	a_{133}	a_{134}	a_{135}	a_{13}	گستره اثر تهدید
....
$M_{1j}=(\sum a_{1jh} * h) / \sum a_{1jh}$	$\sum a_{1jh} * h$	$\sum a_{1jh}$	a_{1j1}	a_{1j2}	a_{1j3}	a_{1j4}	a_{1j5}	a_{1j}
....
$M_{1n}=(\sum a_{1nh} * h) / \sum a_{1nh}$	$\sum a_{1nh} * h$	$\sum a_{1nh}$	a_{1n1}	a_{1n2}	a_{1n3}	a_{1n4}	a_{1n5}	a_{1n}

که در آن داریم:

$$\sum a_{11h} = N \text{ تعداد نمونه}$$

سپس بردار ستونی M_1 حاصل میانگینها به دست می آید:

$$M_1 = \begin{bmatrix} M_{11} \\ M_{12} \\ M_{13} \\ \dots \\ M_{1j} \\ \dots \\ M_{1n} \end{bmatrix}$$

برای نرمال کردن آن، ابتدا $\sum_{j=1}^n M_{1j}$ ها محاسبه و سپس با استفاده از فرمول زیر،

میانگینهای نرمال شده به دست می آیند:

$$MN_{1j} = \frac{M_{1j}}{\sum_j M_{1j}}$$

با داشتن مقادیر نرمال شده، بُردار میانگین‌های نرمالایز به شرح زیر به دست می‌آید:

$$MN_1 = \begin{bmatrix} MN_{11} \\ MN_{12} \\ MN_{13} \\ \dots \\ MN_{1j} \\ \dots \\ MN_{1n} \end{bmatrix}$$

به گونه‌ای که:

$$\sum_{j=1}^n MN_{1j} = 1$$

جدول شماره (۸) متغیرهای سنجش تأثیر هر متغیر در هر معیار

نماد	تأثیر هر متغیر در هر معیار
a_{115}	تعداد افرادی که معتقدند متغیر نزدیکی مکانی تهدید تأثیر خیلی زیادی در شدت تهدیدها دارد.
a_{114}	تعداد افرادی که معتقدند متغیر نزدیکی مکانی تهدید تأثیر زیادی در شدت تهدیدها دارد.
a_{113}	تعداد افرادی که معتقدند متغیر نزدیکی مکانی تهدید تأثیر متوسط در شدت تهدیدها دارد.
a_{112}	تعداد افرادی که معتقدند متغیر نزدیکی مکانی تهدید تأثیر کمی در شدت تهدیدها دارد.
a_{111}	تعداد افرادی که معتقدند متغیر نزدیکی مکانی تهدید تأثیر خیلی کمی در شدت تهدیدها دارد.
.....
a_{ijh}	تعداد افرادی که معتقدند متغیر j ام تأثیر h ام را در معیار i ام دارد.

بُردار MN_i وزن هر یک از شاخص‌ها در معیار i ام را نشان می‌دهد. اکنون با داشتن وزن شاخص‌ها باید ضریب هر یک از شاخص‌های موصوف برای کشورهای مورد نظر به دست آید. برای این کار شاخص‌های معیار یکم (شدت تهدیدها) برای کشورهای یادشده به شرح ماتریس زیر محاسبه می‌گردد:

جدول شماره (۹) محاسبه شاخص های معیار شدت تهدیدها

میانگین	جمع امتیاز	تعداد	h					i=1 j= 1, 2, 3 , n	
			۱	۲	۳	۴	۵		
$C_1M_{11}=(\sum c_1a_{11h} *h)/\sum c_1a_{11h}$	$\sum c_1a_{11h} *h$	$\sum c_1a_{11h}$	c_1a_{111}	c_1a_{112}	c_1a_{113}	c_1a_{114}	c_1a_{115}	a_{11}	نزدیکی مکانی تهدید
$C_1M_{12}=(\sum c_1a_{12h} *h)/\sum c_1a_{12h}$	$\sum c_1a_{12h} *h$	$\sum c_1a_{12h}$	c_1a_{121}	c_1a_{122}	c_1a_{123}	c_1a_{124}	c_1a_{125}	a_{12}	عمق تهدید
$C_1M_{13}=(\sum c_1a_{13h} *h)/\sum c_1a_{13h}$	$\sum c_1a_{13h} *h$	$\sum c_1a_{13h}$	c_1a_{131}	c_1a_{132}	c_1a_{133}	c_1a_{134}	c_1a_{135}	a_{13}	گستره اثر تهدید
....
$C_1M_{1j}=(\sum c_1a_{1jh} *h)/\sum c_1a_{1jh}$	$\sum c_1a_{1jh} *h$	$\sum c_1a_{1jh}$	c_1a_{1j1}	c_1a_{1j2}	c_1a_{1j3}	c_1a_{1j4}	c_1a_{1j5}	a_{1j}
....
$C_1M_{1n}=(\sum c_1a_{1nh} *h)/\sum c_1a_{1nh}$	$\sum c_1a_{1nh} *h$	$\sum c_1a_{1nh}$	c_1a_{1n1}	c_1a_{1n2}	c_1a_{1n3}	c_1a_{1n4}	c_1a_{1n5}	a_{1n}

$$C_1.M_1 = \begin{bmatrix} C_1M_{11} \\ C_1M_{12} \\ C_1M_{13} \\ \dots \\ C_1M_{1j} \\ \dots \\ C_1M_{1n} \end{bmatrix}$$

برای نرمال کردن مقادیر، ابتدا $\sum_{j=1}^n C_1M_{1j}$ ها محاسبه و سپس با استفاده از فرمول

زیر میانگین های نرمال شده به دست می آیند:

$$C_1MN_{1j} = \frac{C_1M_{1j}}{\sum_j C_1M_{1j}}$$

با داشتن مقادیر نرمال شده، بُردار میانگین‌های نرمالایز برای هر کشور به شرح زیر به دست می‌آید:

$$C_1MN_1 = \begin{bmatrix} C_1MN_{11} \\ C_1MN_{12} \\ C_1MN_{13} \\ \dots \\ C_1MN_{1j} \\ \dots \\ C_1MN_{1n} \end{bmatrix}$$

به گونه‌ای که:

$$\sum_{j=1}^n C_1MN_{1j} = 1$$

حال با داشتن دو بُردار MN_1 و C_1MN_1 و ضرب آنها در یکدیگر، می‌توان شدت تهدیدهای هر کشور را به شیوه زیر محاسبه نمود:

$$IC_i = [MN_{11}, MN_{12}, MN_{13}, \dots, MN_{1j}, \dots, MN_{1n}] \times \begin{bmatrix} C_1MN_{11} \\ C_1MN_{12} \\ C_1MN_{13} \\ \dots \\ C_1MN_{1j} \\ \dots \\ C_1MN_{1n} \end{bmatrix}$$

جدول شماره (۱۰) معرفی کشورهای مورد مطالعه

o= 1, 2, 3, ..., 17						
C ₀	کشورهای مورد مطالعه					
c ₁	c ₂	c ₃	...	c ₁	...	c ₀
آمریکا	رژیم صهیونیستی	ترکیه	قزاقستان

جدول شماره (۱۱) بررسی شدت تهدیدهای هر یک از کشورهای مورد مطالعه

IC ₁	شدت تهدیدهای آمریکا
IC ₂	شدت تهدیدهای رژیم صهیونیستی
IC ₃	شدت تهدیدهای ترکیه
....

با محاسبه شدت تهدیدهای کشورها، تمامی قدم‌های بالا با در نظر گرفتن شاخص‌های زیر برای محاسبه احتمال وقوع تهدیدها تکرار شد.

جدول شماره (۱۲) شاخص‌های سنجش احتمال وقوع تهدیدها

a _{ik}	k	i=2
a ₂₁	۱	نزدیکی مکانی تهدید
a ₂₂	۲	نزدیکی زمانی تهدید
a ₂₃	۳	سابقه تاریخی تهدید
a ₂₄	۴	توازن قدرت میان تهدیدکننده و تهدیدشونده
a ₂₅	۵	داشتن ایدئولوژی تهاجمی
a ₂₆	۶	دامنه تهدید (حجم عددی تهدیدکنندگان)
a ₂₇	۷	هزینه عملی نمودن تهدید برای طرف تهدیدکننده
a ₂₈	۸	وضعیت داخلی طرف تهدیدکننده
a ₂₉	۹	میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی جهان
a ₂₁₀	۱۰	میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی داخلی خود
a ₂₁₁	۱۱	سطح توانمندی طرف تهدیدکننده برای اعمال تهدیدها

در پایان نیز با استفاده از فرمول زیر، تهدیدهای هر کشور محاسبه گردید:

$$TC_i = IC_i \times PC_i$$

در این تحقیق مبنای امتیازدهی اعضای میز خبرگی تحقیق و سایر خبرگان بر اساس

جدول زیر بود:

جدول شماره (۱۳) مبنای امتیازدهی خبرگان و اعضای میز خبرگی

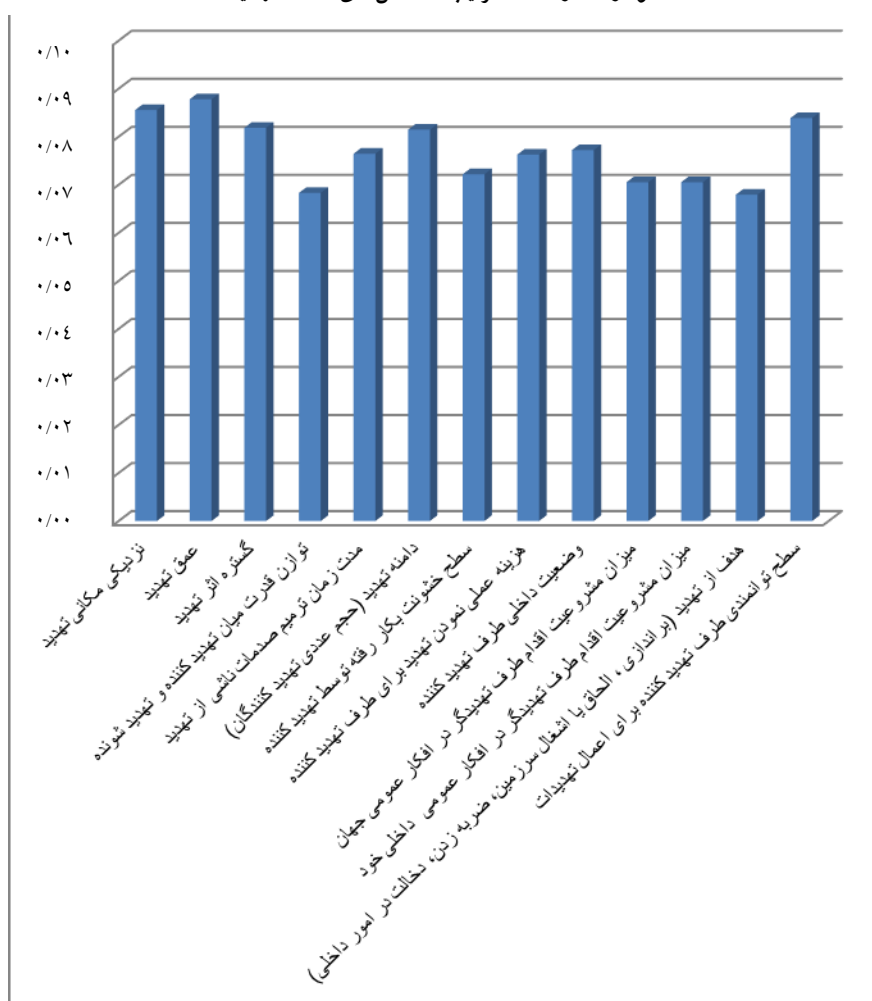
۱	۲	۳	۴	۵	
خیلی دور				خیلی نزدیک	نزدیکی مکانی تهدید
منافع قابل چشم‌پوشی	منافع حاشیه‌ای	منافع مهم	منافع حیاتی	منافع بنیادین	عمق تهدید
یک ناحیه	یک منطقه	یک استان	چند استان	تمامی کشور	گستره اثر تهدید
کاملاً				به هیچ وجه	توازن قدرت میان تهدیدکننده و تهدیدشونده
چند ساعت	چند روز	چند هفته	چند ماه	چند سال	مدت زمان ترمیم صدمه‌های ناشی از تهدید
خیلی محدود (کشور واحد)				خیلی وسیع (چند کشور)	دامنه تهدید (حجم عددی تهدیدکنندگان)
خیلی کم				خیلی زیاد	سطح خشونت به کار رفته توسط تهدیدکننده
خیلی زیاد				خیلی کم	هزینه عملی نمودن تهدید برای طرف تهدیدکننده
کاملاً متشتت و غیرمنسجم				کاملاً منسجم و متحد	وضعیت داخلی طرف تهدیدکننده
مشروعیت پایین				مشروعیت بالا	میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی جهان
مشروعیت پایین				مشروعیت بالا	میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی داخلی خود
دخالت در امور داخلی	ضربه زدن	براندازی حکومت	اشغال سرزمین	الحاق سرزمین	هدف از تهدید
بسیار ضعیف				بسیار قوی	سطح توانمندی طرف تهدیدکننده برای اعمال تهدیدها
بعید				قریب	نزدیکی زمانی تهدید
ندارد	یک مورد	تا حدی	چند مورد	به دفعات زیاد	سابقه تاریخی تهدید
ندارد	ضعیف	متوسط	قوی	به شدت قوی	داشتن ایدئولوژی تهاجمی

۳. یافته‌های تحقیق

پس از دریافت پرسشنامه‌های تکمیل شده و محاسبه میانگین و انحراف معیار پاسخ‌ها، مانند روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، با تقسیم هر یک از میانگین‌های محاسبه شده به مجموع میانگین‌ها، مقادیر نرمالایز شده میانگین‌ها تعیین گردید که نشان‌دهنده میزان تأثیر هر عامل در شدت تهدیدها می‌باشد. نمودار زیر، میزان تأثیر هر یک از شاخص‌ها در شدت تهدید را نشان می‌دهد. به شکل نسبی، بیشترین تأثیر را متغیرهای نزدیکی مکانی تهدید و عمق تهدید و کمترین تأثیر را توازن قدرت میان تهدیدکننده و تهدیدشونده،

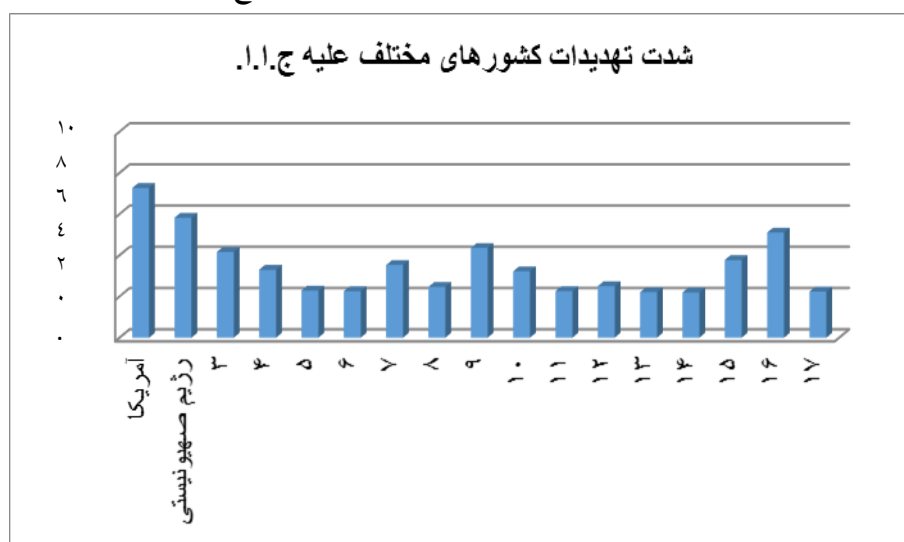
سطح خشونت به کار رفته توسط تهدیدکننده، میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی جهان، میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی داخلی خود و هدف از تهدید (براندازی، الحاق یا اشغال سرزمین، ضربه زدن، دخالت در امور داخلی) در تعیین شدت تهدیدها دارند.

نمودار شماره (۱) ضرایب شاخص‌های شدت تهدید



در این پرسشنامه از خبرگان خواسته شد که با در نظر گرفتن شاخص‌های بالا، در مورد کشورهای یادشده در پرسشنامه قضاوت نموده و امتیازی از ۱ تا ۱۰ به وضعیت آن کشورها در شاخص‌های موصوف در پرسشنامه اختصاص دهند. سپس با ضرب بُرداری ستون میانگین نرمالایز شده در ستون مربوط به هر یک از کشورها، شدت تهدیدهای هر کشور علیه ج.ا.ایران به شرح زیر تعیین گردید^۱:

نمودار شماره (۲) شدت تهدیدهای کشورهای مختلف علیه ج.ا.ایران



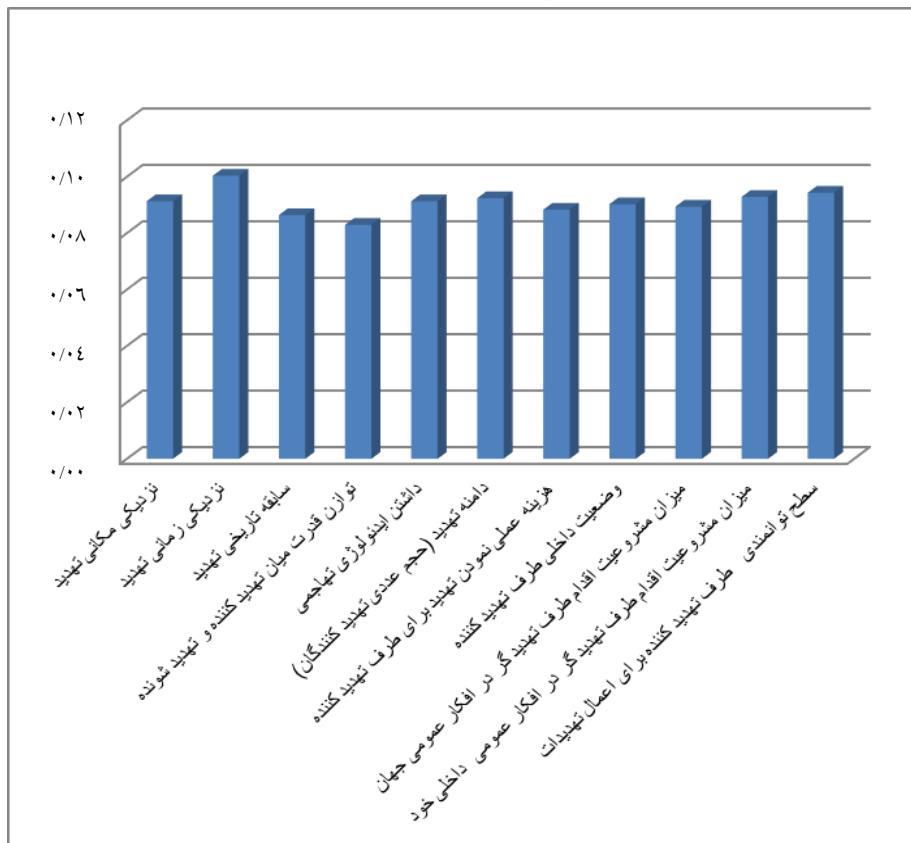
پس از تعیین شدت تهدیدها، لازم بود که بر اساس «الگوی مرکز مطالعات راهبردی آجا برای ارزیابی تهدیدها»، احتمال وقوع تهدیدها نیز تعیین گردد؛ زیرا شدت تهدید به‌تنهایی میزان اهمیت و جدی بودن تهدیدها را مشخص نمی‌کند و باید احتمال وقوع تهدیدها نیز در محاسبه توان تهدیدها در نظر گرفته شود؛ به این منظور با استفاده از

^۱ - از آنجا که ۱۷ کشور دارای مرز مشترک زمینی و دریایی با ج.ا.ا. علاوه بر دو کشور غیرهمسایه (آمریکا و رژیم صهیونیستی) در این تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفته اند، برای جلوگیری از ایجاد حساسیت، کشورهای مورد نظر به ترتیب شماره نام برده شده اند و از ذکر اسامی آنها خودداری شد است.

الگوی یادشده، مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در احتمال وقوع تهدیدها به شرح زیر احصاء و در پرسشنامه منظور گردید:

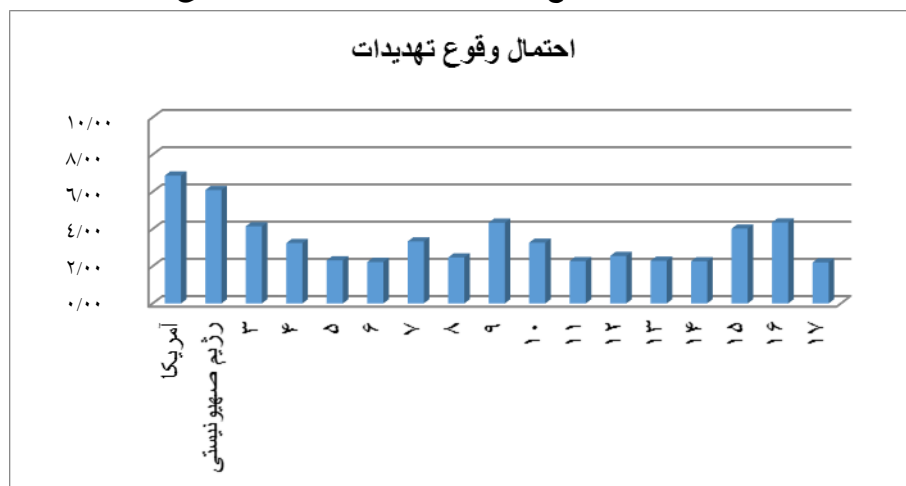
- (۱) نزدیکی مکانی تهدید،
 - (۲) نزدیکی زمانی تهدید،
 - (۳) سابقه تاریخی تهدید،
 - (۴) توازن قدرت میان تهدیدکننده و تهدیدشونده،
 - (۵) داشتن ایدئولوژی تهاجمی،
 - (۶) دامنه تهدید (حجم عددی تهدیدکنندگان)،
 - (۷) هزینه عملی نمودن تهدید برای طرف تهدیدکننده،
 - (۸) وضعیت داخلی طرف تهدیدکننده،
 - (۹) میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی جهان،
 - (۱۰) میزان مشروعیت اقدام طرف تهدیدگر در افکار عمومی داخلی خود،
 - (۱۱) سطح توانمندی طرف تهدیدکننده برای اعمال تهدیدها.
- برخی متغیرهای شدت تهدید، در احتمال وقوع تهدید نیز مشاهده می‌شوند؛ برای مثال، متغیر نزدیکی مکانی تهدید، هم می‌تواند در شدت تهدید مؤثر واقع گردد و هم می‌تواند احتمال وقوع آنرا افزایش دهد، بنابراین در هر دو عامل دیده می‌شوند.
- پس از جمع‌بندی نظرات گروه خبرگی تحقیق و سایر خبرگان مورد مراجعه، وزن هر شاخص در احتمال وقوع تهدیدها تعیین گردید. نمودار زیر میزان تأثیر هر یک از متغیرها در احتمال وقوع تهدیدها را نشان می‌دهد. بیشترین اثر متعلق به متغیر نزدیکی زمانی تهدید و کمترین اثر مربوط به متغیر توازن قدرت میان تهدیدکننده و تهدیدشونده بوده و سایر متغیرها وزن یکسانی در تعیین احتمال وقوع تهدیدها دارند.
- گفتنی است که این دسته‌بندی، نسبی بوده و متغیرها به شکل نسبی با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

نمودار شماره (۳) تعیین ضرایب احتمال وقوع تهدید توسط میز خبرگی تحقیق و سایر خبرگان مورد مراجعه



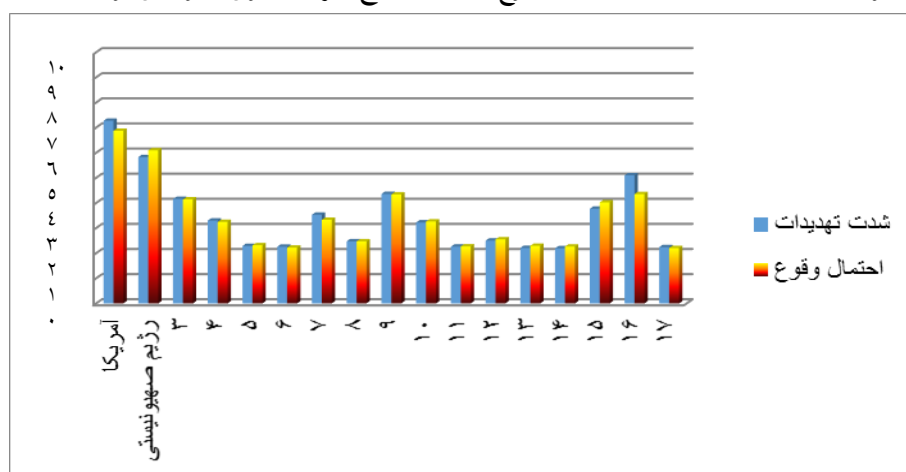
در ادامه، ضرایب مربوط به متغیرهای مؤثر در احتمال وقوع تهدیدها به تفکیک هر کشور محاسبه و پس ضرب برداری ستون مربوط به میانگین نرمالایز شده جدول مربوط در ستون مربوط به هر کشور، میزان احتمال وقوع تهدیدها از سوی کشورهای مورد مطالعه به شرح زیر محاسبه گردید:

نمودار شماره (۴) احتمال وقوع تهدیدها از سوی کشورهای مختلف علیه ج.ا.ایران



با توجه به محاسبه شدت و احتمال وقوع تهدیدها از سوی کشورهای مورد مطالعه علیه ج.ا.ایران، داده‌های مربوطه در نمودار زیر مقایسه شده‌اند:

نمودار شماره (۵) مقایسه شدت و احتمال وقوع تهدیدها علیه ج.ا.ایران از سوی کشورهای مورد مطالعه

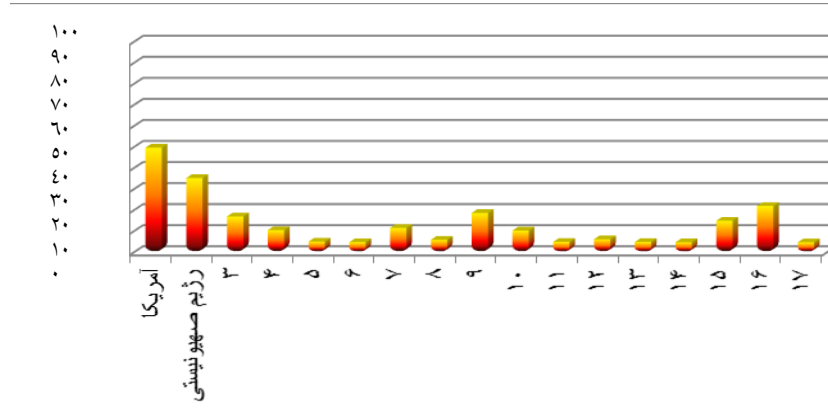


این نمودار نشان می‌دهد با وجود آنکه شدت تهدیدهای آمریکا علیه ج.ا.ایران بیشتر می‌باشد، ولی احتمال وقوع آن کمتر است. این موضوع در مورد رژیم صهیونیستی

برعکس بوده و با وجود آنکه شدت تهدیدهای این رژیم علیه ایران کمتر است، اما احتمال وقوع آن بیشتر می‌باشد. بر مبنای ارزیابی با این الگو، شدت و احتمال وقوع تهدیدهای کشور شماره ۱۶ علیه ج.ا.ایران مانند شدت و احتمال وقوع تهدید از سوی آمریکا است؛ جز آنکه شدت و احتمال وقوع آن با اختلاف قابل ملاحظه‌ای کمتر می‌باشد. کشورهای شماره ۹ و ۳ نیز از الگوی به نسبت مشابهی پیروی نموده و شدت و احتمال وقوع تهدیدهای آنها علیه ج.ا.ایران به نسبت یکسان می‌باشد.

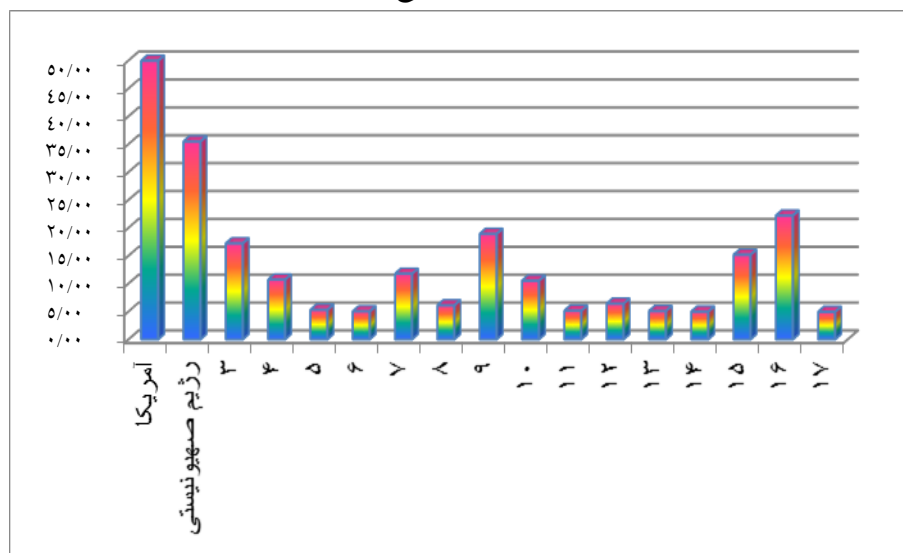
در قدم نهایی به منظور تعیین میزان جدی بودن (اهمیت، تأثیر، توان) تهدیدها علیه ج.ا.ایران، دو بُردار شدت تهدیدها و احتمال وقوع در یکدیگر ضرب شده و توان تهدیدهای هر کشور علیه ج.ا.ایران محاسبه و نتایج به دست آمده در نمودار زیر نشان داده شد. از آنجا که این نمودار می‌تواند در تنظیم روابط با کشورهای مختلف و پیش‌بینی‌های مقابله، به نیروهای مسلح ج.ا.ایران کمک نماید، بنابراین از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و نشان می‌دهد که با توجه به شاخص‌های گفته شده و دو معیار شدت و احتمال وقوع تهدیدها، مهم‌ترین تهدیدها علیه ج.ا.ایران از سوی کدام کشورها می‌باشد. بر اساس این نمودار، مهم‌ترین کشورهای تهدیدکننده ج.ا.ایران به ترتیب (اولویت تهدیدها علیه ج.ا.ایران)، آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای شماره ۱۶، ۹، ۳، ۷، ۴ و ۱۰ هستند.

نمودار شماره (۶) اولویت تهدیدها علیه ج.ا.ایران



نکته قابل توجه اینکه با توجه به نظام امتیازدهی به تهدیدها، توان تهدیدها می‌توانستند بین دامنه صفر تا ۱۰۰ متغیر باشند، ولی حتی در مورد تهدید آمریکا علیه ج.ا.ایران نیز که بیشترین تهدید محسوب می‌گردد، توان تهدید از ۵۰ یعنی نیمه بازه بالا، فزون‌تر نشده و این امر نشان از فضای مطمئن امنیتی ج.ا.ایران در عرصه جهانی دارد. به‌منظور ملاحظه دقیق‌تر تهدیدها علیه ج.ا.ایران، نمودار زیر در بازه صفر تا ۵۰ (حداکثر تهدید موجود) ترسیم گردید تا فاصله تهدیدهای کشورهای مختلف علیه ج.ا.ایران بهتر دیده شود:

نمودار شماره (۷) اولویت تهدیدها علیه ج.ا.ایران در بازه صفر تا ۵۰



۴. نتیجه گیری

۴-۱. جمع بندی

در این تحقیق بر اساس «الگوی مرکز مطالعات راهبردی آجا برای ارزیابی تهدیدها» مهم ترین متغیرهای مؤثر در ارزیابی تهدیدها استخراج و به دو دسته «شدت تهدید» و «احتمال وقوع تهدید» تقسیم بندی شدند؛ در واقع با توجه به این الگو که توسط میز خبرگی مربوط در مرکز مطالعات راهبردی آجا اعتبارسنجی گردید، تلاش شد تا با ضرب این دو متغیر در یکدیگر، ارزیابی درستی از تهدیدها علیه ج.ا.ایران به دست آید. اگر یک تهدید پُرشدت اما احتمال وقوع آن اندک باشد، ارزیابی از آن، یک تهدید ضعیف خواهد بود، به همین ترتیب اگر احتمال وقوع تهدید بالا اما شدت آن اندک باشد، باز هم ارزیابی از آن، یک تهدید ضعیف می باشد. سپس با استفاده از روش اِتسی، حالت های مختلف جدی بودن و میزان اهمیت تهدیدها بر اساس میزان شدت و احتمال وقوع تهدید مورد

بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که تنها تهدیدهایی جدی و بحرانی محسوب می‌شوند که یا احتمال وقوع آنان یا شدت تهدید و یا هر دو آنها خیلی زیاد باشد.

جدول شماره (۱۴) ماتریس برآورد تهدیدها با توجه به احتمال وقوع و شدت تهدید

احتمال وقوع تهدید							
۱-۸.۲	۸.۲-۶.۴	۶.۴-۴.۶	۴.۶-۲.۸	۲.۸-۱.۰	خیلی زیاد	۲.۸-۱.۰	
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	زیاد	۴.۶-۲.۸	
			آمریکا		زیاد	۴.۶-۲.۸	شدت تهدید
	کشور شماره ۱۶	رژیم صهیونیستی			متوسط	۶.۴-۴.۶	
	کشورهای شماره ۷، ۳، ۴، ۱۵، ۱۰، ۹				کم	۸.۲-۶.۴	
کشورهای شماره ۸، ۶، ۵، ۱۳، ۱۴، ۱۲، ۱۱					خیلی کم	۱-۸.۲	
۱۷							

بر اساس این جدول، هیچ یک از تهدیدهای آینده ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴ در ناحیه بحرانی قرار ندارد، ولی تهدیدهای آمریکا در ناحیه خطرناک است و این به آن معناست که نیروهای مسلح ج.ا.ایران باید آموزش‌ها، ساختار، خرید و تولید تجهیزات و ... خود را بر اساس این تهدید تنظیم نمایند.

۲-۴. پیشنهادها

(۱) ج.ا.ایران در تدوین رهنامه و راهبرد نظامی خود به هوپایه بودن تهدیدهای نظامی توجه جدی نموده و نیروهای مسلح ج.ا.ایران نیز ساختارهای خود را متناسب با این تهدیدها تنظیم نمایند.

(۲) شبیه‌سازی رایانه‌ای پویای جنگ به‌منظور مطالعه حوادث ممکن الوقوع در این زمینه بسیار کارساز بوده و می‌تواند نقش مؤثری در تحلیل چگونگی حمله‌های دشمن و پاسخ‌های خودی ایفا نماید. پیشنهاد می‌گردد در تحقیق جداگانه‌ای این موضوع مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

(۳) با توجه به اینکه متغیرهای این تحقیق از نوع کیفی و قضاوتی می‌باشند، پیشنهاد می‌گردد با تولید نرم‌افزار مناسبی که بر پایه منطق فازی نوشته شده باشد و کاربر بتواند به راحتی با آن رابطه برقرار نموده و از آن استفاده نماید، هر ساله و به گونه‌ای آزمایشی، الگوی پیشنهادی تحقیق برای محاسبه شدت و احتمال وقوع تهدیدها علیه ج.ا.ایران مورد استفاده قرار گرفته و به مرور اشکال‌های آن مرتفع گردد.

فهرست منابع

۱. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵)، *کالبدشکافی تهدید*، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۹۰)، *برآورد تهدید، رویکردی نظام‌واره*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۳. بوزان، باری، (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه ناشر، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. بوزان، باری و همکاران، (۱۳۸۶)، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. پژوهشکده مطالعات راهبردی، (۱۳۸۱)، *گزارش پژوهشی مفهوم‌شناسی امنیت*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. ره‌پیک، سیامک، (۱۳۸۷)، *تهدیدات قدرت ملی؛ شاخص‌ها و ابعاد*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۷. ره‌پیک، سیامک، (۱۳۸۷)، *نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۸. صادقی، رضا، (۱۳۸۶)، *الگوی برآورد تهدیدات داخلی*، پروژه تحقیقاتی، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۹. عبدالله‌خانی، علی، (۱۳۸۲)، *نظریه امنیت*، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۰. مرادیان، محسن، (۱۳۸۵)، *درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات*، تهران، انتشارات راشا.
۱۱. مرادیان، محسن، (۱۳۹۱)، *مبانی نظری امنیت*، تهران، انتشارات دانشگاه علوم و فنون فارابی.